

سیاست‌های فرهنگی-هویت‌ی پروژه‌های معماری با تأکید بر شهرک اکباتان تهران

چکیده

معماری، در طول تاریخ، تجسمی از آرمان‌های فرهنگی جوامع بشری بوده و بر اساس این آرمان‌ها، محیط‌های زیستی ساخته شده به دست افراد مختلف، به صورت یک تمامیت با هویت خاص خود در آمده است. به نظر می‌رسد با وقوع مدرنیسم و جهانی شدن معماری، مفاهیم هویتی فرهنگی معماری به مفهومی متغیر و پیچیده بدل و به چالش کشیده شده است. از این رو مقاله‌ی حاضر بر آن است رابطه‌ی بین سیاست‌های فرهنگی-هویت‌ی و کیفیت محیط‌های مسکونی را تحلیل و تفسیر نماید. بدین منظور با انتخاب شهرک اکباتان تهران، به عنوان نمونه‌ی مورد مطالعه، به سنجش کیفیت خانه‌های مسکونی در فاز ۱ و ۲ این شهرک پرداخته شده است. روش تحقیق برمبنای تحلیل رگرسیونی چند متغیره‌ی سلسله مراتبی و مدل استفاده شده در فرایند تحلیل نیز به مدل تجربی سنجش کیفیت محیط سکونت موسوم است. این مدل دارای ساختاری سلسله مراتبی و متشکل از معیارهایی است که مبنای تنظیم پرسشنامه‌ی تحقیق قرار گرفته و براساس رعایت معیارهای هویت اجتماعی-فرهنگی مورد نظر امتیازدهی شده است (ما بین ۱ تا ۵). نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که کیفیت محیط بیرونی مجتمع‌های مسکونی فاز ۱ (۱ < ۲/۶۲ < ۵) و فاز ۲ (۱ < ۲/۸۸ < ۵) شهرک اکباتان مطابق با هویت اجتماعی-فرهنگی، پایین‌تر از حد متوسط است. حال آنکه کیفیت محیط داخلی واحدهای مسکونی مطابق با همان اصول، در وضعیت خوبی قرار دارد (فاز ۱ (۱ < ۴/۰۸ < ۵) و فاز ۲ (۱ < ۴/۱۸ < ۵)). هم‌چنین هر دو فاز به لحاظ رعایت اصول و معیارهای هویت اجتماعی-فرهنگی همسو و شبیه به یکدیگر هستند.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین رابطه‌ی بین مقوله‌های فرهنگی-هویت‌ی و کیفیت فضای معماری.
۲. بررسی سیاست‌های فرهنگی-هویت‌ی در خانه‌های مسکونی فاز ۱ و ۲ شهرک اکباتان و سنجش کیفیت خانه‌های مسکونی در آن.

سؤالات پژوهش:

۱. چه رابطه‌ای بین مقوله‌های فرهنگی-هویت‌ی و کیفیت فضای معماری وجود دارد؟
۲. سیاست‌های فرهنگی-هویت‌ی در خانه‌های مسکونی فاز ۱ و ۲ شهرک اکباتان به چه صورت نمود یافته و چه تأثیری در کیفیت این خانه‌ها داشته‌اند؟

واژگان کلیدی: کیفیت محیطی، سیاست‌های هویتی-فرهنگی، تحلیل رگرسیونی، چند متغیره‌ی سلسله مراتبی، شهرک اکباتان.

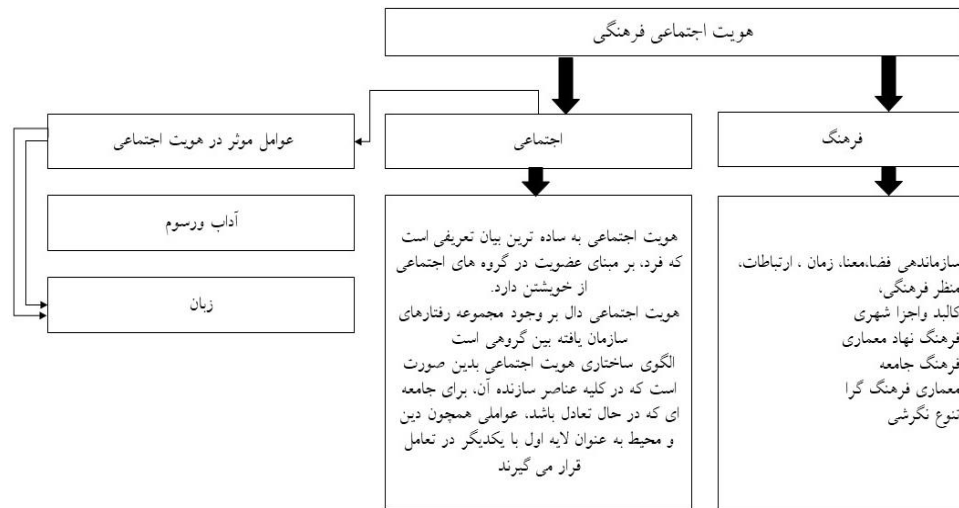
مقدمه

مقوله‌ی هویت از گذشته‌های دور به عنوان یکی از دغدغه‌های بشری مطرح بوده است. مفهوم کیستی و چیستی انسان یکی از قدیمی‌ترین مباحث فلسفی بوده و عمده‌ی فیلسوفان و نظریه‌پردازان در رابطه با آن، به بحث و تبادل نظر پرداخته‌اند. هویت که در گذشته‌های دور پدیده‌ای ثابت و از پیش تعیین شده در نظر گرفته می‌شد، امروزه به مفهومی متغیر، پیچیده و متناقض بدل گشته و موجب بروز بحران هویت و ناآرامی انسان مدرن شده است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۲). در نتیجه بحث‌هایی در رابطه با چیستی هویت و مؤلفه‌های مؤثر بر آن، امروزه نیز مانند گذشته و یا حتی پیش از گذشته، به عنوان یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در حوزه‌های مختلف فلسفی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مطرح است (بهشتی، ۱۳۹۳). ظهور مفهوم هویت در حوزه‌ی معماری، پس از جنگ دوم جهانی، در دهه‌ی ۵۰ میلادی و در پی بروز انتقاداتی به معماری مدرن شکل گرفت (جوادی، ۱۳۹۴). علی‌رغم مباحث گسترده‌ای که از آن زمان تا کنون در این رابطه صورت گرفته، این پدیده هنوز به عنوان موضوعی مورد توجه، به ویژه در کشورهای در حال توسعه مطرح است (فیض‌آبادی و رفیع اردکانی، ۱۳۹۴). چرا که نادیده گرفتن فرهنگ به عنوان جزء لاینفک زندگی در معماری مدرن، به وجود آورنده‌ی بخش بزرگی از مشکلات اجتماعی و معضلات روانی در این محدوده است توکلی و کشمیری، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

اکنون نیز هویت، با مقوله‌ی فرهنگ تطابق و معنا پیدا می‌کند و در واقع آنچه انسان می‌سازد، از بنای یک خانه گرفته تا یک شهر، تجسمی از آرمان‌ها و ایده‌آل‌های فرهنگی است (عیسی‌زاده، ۱۳۹۵). مطابق با دیدگاه راپاپورت «فرهنگ به مجموعه ارزش‌ها و عقاید مردمی که ایده‌آل‌ها و آرمان‌های آن‌ها در یک جهان‌بینی شکل گرفته است، اطلاق می‌شود» (راپاپورت، ۱۳۶۶). در واقع فرهنگ فضای زیستن و فعالیت و مبین ارتباطات انسان با جهان خارج است. فرهنگ با هدایت و جهت دادن فعالیت‌های انسان، به مثابه‌ی بستر، فضا و معنای زندگی ایفای نقش می‌نماید (بهرامی‌نژاد و کابلی، ۱۳۹۸: ۳۰). در نتیجه با توجه به رابطه‌ی متقابل معماری، فرهنگ و تشکیل الگوهای فی‌مابین، از طریق آن اندیشه‌ی آرمانی یک ملت توسط همگان دیده خواهد شد (بهرامی‌نژاد و کابلی، ۱۳۹۸: ۲۸). بر اساس این اصول و آرمان‌ها است که مجتمع‌های زیستی، در عین ساخته شدن به دست افراد مختلف به صورت یک تمامیت با هویت در آمده و قابلیت تمییز از دیگر نمونه‌ها را پیدا می‌کنند (توسلی، ۱۳۹۱). این تمایز هویت اجتماعی نیز بی‌سبب نیست؛ چرا که هویت اجتماعی، دال بر وجود مجموعه رفتارهای سازمان‌یافته‌ی بین‌گروهی است که به لحاظ اجتماعی به صورت یکسان و مشابه انجام می‌گیرد (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲).

شناسایی هویت اجتماعی تلاشی است برای تحلیل الگوهای تکرارپذیر و بخش‌ها و نگرش‌هایی که در گروه‌های اجتماعی وجود دارد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۴) و در یک نگاه طولی و ریشه‌دار، به دو جنبه‌ی کالبدی و روحی یا ظاهری و باطنی تقسیم می‌شود (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۸). الگوی ساختاری آن بدین صورت است که در کلیه‌ی عناصر سازنده برای جامعه‌ای که در حال تعادل باشد، عواملی هم‌چون دین و محیط به عنوان لایه‌ی اول با یکدیگر در تعامل قرار می‌گیرند (باقری و سنگ‌سفیدی، ۱۳۹۵)؛ به گونه‌ای که جوامع مبتنی بر ادیان از عنصر دین به عنوان ستون همه‌ی عناصر دیگر استفاده می‌کنند و جوامع غیردینی عناصری هم‌چون جامعه، تاریخ یا قومیت و نژاد را مبنا قرار می‌دهند. لایه‌ی بعدی به سنت جاری جامعه اختصاص دارد که هم دارای جوانب آشکار و هم پنهان است (نقره‌کار،

۱۳۸۷) و رفتارها، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، شکل زندگی مردم و ... سنت آن جامعه محسوب می‌شوند (رستم‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). ابعاد پنهان سنت، مانند ارزش‌ها و عقاید، در طول زمان، فرهنگ آن جامعه را مطابق با هویت اجتماعی تشکیل می‌دهند. بر اساس آنچه گفته شد اصول هویت اجتماعی-فرهنگی در شکل زیر به صورت نمودار ترسیم شده است.



شکل (۱): اصول هویت اجتماعی-فرهنگی (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸)

پژوهش‌های متعددی با محوریت فرهنگ، هویت و معماری در داخل و خارج از ایران صورت گرفته است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود. کلافس (۲۰۰۱) در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر تغییرات فرهنگی بر اولویت‌های مسکن و خانه‌سازی، نتایجی از یک مطالعه‌ی موردی درباره‌ی شاخص‌های ارزش‌گذاری بر خانه‌سازی و مسکن را در یکی از سکونتگاه‌های اکوادور ارائه می‌دهد. این مطالعه، نشان می‌دهد که چگونه ساکنان یک منطقه، هویت اجتماعی و فرهنگی خود را می‌سازند. نژاد ابراهیمی و فرشچیان (۱۳۹۳)، در پژوهش خود به ضرورت توجه به بحث پیشینه‌ی خاص فرهنگ زندگی افراد، به عنوان یک عامل مهم در طراحی فضاهای عمومی، جهت افزایش تعاملات اجتماعی اشاره می‌کنند. هم‌چنین معینی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی دیگر با مطالعه شهرک اکباتان و با در نظر گرفتن جنبه‌های روانی مسکن و تأثیر آن بر وقوع ناهنجاری‌های روانی مانند وقوع جرم، به بررسی مراحل تکامل رویکرد پیشگیری از جرم توسط طراحی محیطی و ایجاد امنیت محیطی با استفاده از طراحی می‌پردازند. به علاوه قنبران و جعفری (۱۳۹۳) در مطالعه‌ی خود، در ارتباط با محله‌ی درکه در شهر تهران بیانگر می‌کنند که ساختار اجتماعی-سیاسی شهر، ساختار کالبدی-فضایی و حالات روحی-روانی استفاده‌کنندگان از فضا در ارتقای تعاملات اجتماعی در میان ساکنان این محله تأثیرگذار بوده است.

از طرف دیگر برخی از محققان مانند علوی و همکاران (۱۳۹۳) و سجادزاده و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش‌های خود، به مطالعه‌ی توسعه‌ی پایدار محله‌ای و ابعاد پایداری معماری در شهرک اکباتان پرداخته‌اند. هم‌چنین صفرنژاد و

¹ Klafus

² علوی و همکاران (۱۳۹۳)، با بررسی الزامات توسعه‌ی پایدار و ارزیابی توسعه‌ی پایدار محله‌ای با تأکید بر محله‌ی اکباتان دریافتند که این محله از نظر ابعاد پایداری، در شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی به ترتیب با میانگینی برابر ۰.۳ / ۶۹۷۷، ۳ / ۵۱۶۶ و ۳ / ۴۳۸۵ پایدار شناخته شده است و

همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی در شهر رشت به این نتیجه رسیدند که می‌توان با ایجاد نفوذپذیری، غنای حسی، توجه به نمای ساختمان‌ها، نمادها و نشانه‌های بومی، خوانایی در فرم کالبدی و توجه به زمینه در طراحی، موجب ارتقای هویت محیط و افزایش حس تعلق شهروندان شد. گودرزی و مفیدی شمیرانی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با مطالعه‌ی شهرک اکباتان، بیان می‌کنند: «با در نظر نگرفتن جنبه‌های روانی مسکن و تأثیر آن بر وقوع ناهنجاری‌های روانی و با دور شدن شکل و ساختار خانه‌ها از تصور ذهنی هر ایرانی از خانه‌ی خود، این فضاها تنها به عنوان سرپناهی ایفای نقش کردند که یکی از مهم‌ترین علل افزایش ناهنجاری‌های روانی مانند افسردگی، خودکشی و... در این مناطق شده است». در همین سال رحیم‌زاده و نصرتی (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود، با مطالعه‌ی شهرک اندیشه اردبیل، مورد تأکید قرار دادن و هماهنگ ساختن اشتراکات فرهنگی را عامل افزایش انسجام اجتماعی و وابستگی‌های داخلی در مجتمع‌های زیستی می‌دانند. در همین راستا ضرغامی و همکاران (۱۳۹۶)، موفقیت مسکن ایرانی-اسلامی را مستلزم رعایت اصل هویت اجتماعی در بطن طراحی می‌دانند. موزر و شمس‌ویلیبر^۳ (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی به بررسی سیاست‌های فرهنگی پروژه‌های معماری طی پانزده سال گذشته در جزایر اندونزی پرداختند که هدف از آن، ایجاد احساس هویت فرهنگی و مذهبی مالایی بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های معماری دولتی قادر به تأثیر گذاشتن بر پروژه‌های معماری با توجه به دیدگاه‌های خود جهت حفظ میراث مالایی بوده و جهت‌گیری این سیاست‌ها بیشتر بر احیا و نمایش عناصر فرهنگ مالایی در ساختمان‌های عمومی متمرکز بوده است. هم‌چنین یوسف‌زاده و صباغ‌پور (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تعاملات اجتماعی، به عنوان مهم‌ترین فاکتور پایداری اجتماعی پرداخته و به نقش فضاهای اجتماعی به عنوان عاملی جهت تشویق و مشارکت افراد در حیات جمعی و حس تعلق تأکید کرده‌اند. در ادامه‌ی مطالعات صورت گرفته‌ی پیشین، پژوهش حاضر با نگاهی نو متأثر از سیاست‌های هویتی- فرهنگی به سنجش کیفیت واحدهای مسکونی در فاز ۱ و ۲ شهرک اکباتان می‌پردازد.

روش تحقیق در مطالعه‌ی حاضر، تکنیک استفاده شده‌ی روش تحلیل رگرسیونی چند متغیره‌ی سلسله مراتبی^۴ است. سپس در جهت سنجش کیفیت محیط مسکونی از روش مدل تجربی موسوم به «درخت ارزش» که ساختاری سلسله مراتبی دارد، استفاده می‌شود. در این مدل، معیارها، جزء معیارها و متغیرهای مؤثر در فرایند سنجش کیفیت محیط مسکونی را تشکیل می‌دهند. در این راستا می‌توان از منابع و روش‌های متفاوتی نظیر رجوع به فرهنگ و هویت ایرانی، مرور متون مربوط و مصاحبه با ساکنان یا کارشناسان به منظور تعیین و ایجاد متغیرهای مربوط به موضوع کیفیت محیط مسکونی، استفاده نمود. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر سازماندهی متغیرها با استفاده از رویکرد «تجزیه‌ای» و مدل تجربی که در ۴ سطح: الف) شناسایی معیارها، ب) معیار کیفیت محیط ساخته‌شده در واحدهای مسکونی فاز ۱ و ۲ در شهرک اکباتان (شش جزء معیار بناها و فضاها، تعلق مکانی، نوع دسترسی، تسهیلات کالبدی-خدماتی، امنیت/ایمنی و متغیرهای محیطی)، ج) معیار کیفیت محیط داخلی مطابق با هویت اجتماعی- فرهنگی خانه‌های مسکونی فاز ۱ و ۲ در شهرک اکباتان (حفظ حریم، نوع مصالح، عرصه‌بندی فضاها، سلسله‌مراتب فضایی، نوع عایق در و پنجره، دید و منظره، د) سطح پایانی درخت ارزش است که در این بخش با

در بُعد اقتصادی با میانگین ۸۲۴۱ / ۲ ناپایدار تلقی شده است. سجادزاده و همکاران (۱۳۹۴)، به بررسی چارچوب و اصول معماری پایدار در شهرک‌های مسکونی (نمونه‌ی موردی شهرک اکباتان تهران) پرداختند و دریافتند که مطابق با اصول معماری پایدار تنها فاز ۳۴ شهرک اکباتان تا ۶۵٪ اصول را رعایت نموده و دو فاز دیگر تنها ۲۴٪ را رعایت نموده‌اند.

³ Moser & Shamsa Wilbur

⁴ HMR

استفاده از شاخص هویت اجتماعی-فرهنگی، سؤالاتی راجع به هر یک از جزء معیارها طرح شده و کمی کردن این شاخص‌ها با استفاده از روش مستقیم پرسشنامه صورت می‌گیرد. طراحی پرسشنامه در دو بخش سؤالاتی در زمینه‌ی هویت فردی ساکنان (که بالطبع سبب هویت اجتماعی و فرهنگی آنان نیز می‌گردد) و پرسش‌های مربوط به سنجش میزان کیفیت محیط خانه‌های مسکونی (محیط بیرونی و داخلی)، صورت گرفته است. در این راستا، جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را گروهی از ساکنان محدوده‌ی مطالعاتی (شهرک اکباتان) تشکیل می‌دهد. برای تعیین تعداد اعضای جامعه‌ی آماری از فرمول کوکران استفاده شد که به این ترتیب حجم نمونه ۲۴۳ نفر به دست آمد. با در نظر گرفتن احتمالات مربوط به غیرقابل استفاده بودن تعدادی از پرسشنامه‌های تکمیل‌شده، در مجموع ۲۸۰ پرسشنامه در محدوده‌ی مورد نظر، به صورت اتفاقی و در ساعت‌های مختلف روز توزیع شد که در نهایت ۲۷۱ پرسشنامه، مبنای تحلیل‌های آماری به وسیله‌ی نرم افزار SPSS قرار گرفت. در این میان، جامعه‌ی نمونه‌ی پژوهش پس از غربال پرسشنامه‌ها متشکل از ۱۲۳ مرد و ۱۴۸ زن با میانگین سنی پرسش شونده‌گان ۳۲ سال و تحصیلات بالای دیپلم ارزیابی گردید.

نتیجه گیری

تحلیل و ارزیابی شرایط کیفی محیط‌های مسکونی به واسطه‌ی روش‌های کمی و مدل‌های تجربی، رویکردی است که امروزه برای شناسایی سطح کلی محیط، مؤلفه‌های محیطی نامطلوب، آسیب‌پذیر، وزن و اهمیت نسبی آن‌ها در میزان کیفیت محیط سکونت به کار می‌رود. با استفاده از این روش، به سنجش و بررسی عوامل هویت اجتماعی-فرهنگی در محیط خارج و داخل واحدهای مسکونی فاز ۱ و ۲ شهرک اکباتان پرداخته شد. نتایج بررسی‌ها حاکی از آن بود که کیفیت محیط بیرونی مجتمع‌های مسکونی فاز ۱ ($1 < 2/62 < 5$) و فاز ۲ ($1 < 2/88 < 5$) شهرک اکباتان، مطابق با هویت اجتماعی-فرهنگی پایین‌تر از حد متوسط است. حال آن‌که کیفیت محیط داخلی واحدهای مسکونی، مطابق با با هویت اجتماعی-فرهنگی بالاتر از حد متوسط و در وضعیت خوبی قرار دارد (فاز ۱ ($1 < 4/08 < 5$) و فاز ۲ ($1 < 4/18 < 5$)).

از میان معیارهای مورد بررسی در هر دو فاز شهرک اکباتان، کم‌ترین میزان رعایت اصول در محیط بیرونی، مربوط به تعلق مکانی و تعاملات اجتماعی و در محیط داخلی واحدهای مسکونی مربوط به حفظ حریم است. هم‌چنین با توجه به ضرایب اهمیت نیز این دو معیار دارای کمترین ضریب اهمیت هستند. لازم به ذکر است که معیار امنیت و ایمنی (با ضریب $\beta = 0/249$)، در کیفیت محیطی بیرونی و معیار عایق درب و پنجره ($\beta = 0/439$)، در کیفیت محیط داخلی دارای بالاترین ضرایب هستند. از این رو مطابق با عوامل هویت اجتماعی و فرهنگی، مشاهده می‌گردد که در هر دو فاز، به عوامل هویت اجتماعی-فرهنگی در محیط بیرونی بسیار کم توجه شده است، در حالی که در محیط داخلی واحدهای مسکونی توجه به این اصل افزایش یافته است.

در یک نگاه کلی، تمامی موارد انجام‌شده در پژوهش حاضر در صدد دستیابی به موارد ذیل صورت گرفته است:

- دستیابی به رابطه‌ی بین هویت اجتماعی-فرهنگی و کیفیت محیط‌های مسکونی.
- توسعه‌ی راه‌حل‌های ساده و کم‌هزینه در جهت بهبود کیفیت محیط‌های ساخته‌شده.
- شناخت تأثیر معماری و مؤلف‌های شهرسازی بر هویت اجتماعی ساکنین شهرک اکباتان.

منابع

راپاپورت، آموس (۱۳۶۶)، منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه: راضیه رضازاده، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران.

باقری دولت‌آبادی و سنگ سفیدی، محمدرضا (۱۳۸۹)، "نقش انگاره‌های دینی در سیاست: عرضی یا ماهوی"، حقوق عمومی، دوره‌ی ۱۲، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۸۹، صص ۵۳-۸۰.

بهرامی‌نژاد، فاطمه و کابلی، محمدهادی (۱۳۹۸)، "مهندسی فرهنگی در شکل‌گیری الگوی معماری اسلامی"، مطالعات هنر اسلامی، سال شانزدهم، شماره‌ی ۳۶، زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۷-۴۶.

بهزادفر، مصطفی، طهماسبی، ارسلان (۱۳۹۲)، "شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه‌ی روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه‌ی مورد مطالعه سنندج"، باغ نظر، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۷-۲۸.

بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۳)، "هویت ایرانی"، هنر گلستان، شماره ۱۱، صص ۸-۲۱.

بهمنی خدنگ، محمدرضا، ایوبی، حجت‌الله و مولایی آرانی، مهدی (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی سیاست‌گذاری فرهنگی در کشورهای اسلامی (مورد مطالعه: ترکیه و مصر)، دین و سیاست فرهنگی، دوره‌ی ۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۷-۳۴.

توسلی، محمد (۱۳۹۱)، "شهر: مرکزی برای فرهنگ"، هنرهای زیبا، شماره ۷، صص ۲۱-۲۹.

توکلی کازرونی، مهدی و کشمیری، هادی (۱۳۹۶)، "سنجش مؤلفه‌های معمارانه بلندمرتبه‌سازی با تأکید بر هنر معماری ایران، نمونه‌ی موردی شهر شیراز"، مطالعات هنر اسلامی، سال سیزدهم، شماره‌ی ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۰۵-۱۲۰.

جوادی، مهسا (۱۳۹۴)، "درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان ساخت به وسیله مؤلفه‌های مکان، فضا و کالبد"، مدیریت شهری، دوره‌ی ۱۴، شماره‌ی ۴۱، زمستان ۱۳۹۴، صص ۱۳۹-۱۵۹.

رستم‌پور، کاوه و مسافرزاده، غزال و نظیف، حسن (۱۳۹۳)، "تحول هویت اجتماعی، پیامد معماری و شهرسازی نوگرا در شهرهای نفتی خوزستان"، سال ۱۱، شماره‌ی ۲۹، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۱-۲۲.

شهرام‌نیا، امیرمسعود و چلمقانی، مرضیه (۱۳۹۰)، "سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران دوران اصلاحات از منظر انتقادی"، پژوهش‌های سیاسی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۲، زمستان ۱۳۹۰، صص ۹-۲۴.

- عیسی‌زاده، کوثر (۱۳۹۵)، "تحلیل شناخت تأثیر فرهنگ بر کالبد و طراحی شهرها با تأکید بر نظریه‌های فرهنگی طراحی مجتمع‌های زیستی"، مدیریت شهری، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۶، صص ۷۱-۹۶.
- فیض‌آبادی، محمود و رفیع اردکانی، مریم (۱۳۹۴)، "بیان هویت در معماری معاصر ایران با تأکید بر سازه‌گرایی"، مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی افق‌های نو در معماری و شهرسازی، بهمن ۱۳۹۴.
- کریم‌زاده، علی، شهریاری، سید کمال‌الدین و اردشیری، مهیار (۱۳۹۶)، "تبیین سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری فرهنگ‌محور (با تأکید بر تجارب بازآفرینی شهری استانبول ترکیه)، هویت شهر، دوره ۱۱، شماره ۲۹، بهار ۱۳۹۶، صص ۹۵-۱۰۶.
- معظمی، منوچهر و حجت، عیسی (۱۳۹۶)، "ریشه‌های گسست و گم‌گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران"، آرمانشهر، دوره ۱۰، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۰۳-۱۱۲.
- حجت، عیسی (۱۳۸۴)، "هویت انسان‌ساز، انسان هویت‌پرداز (تأملی در رابطه هویت و معماری)، هنرهای زیبا، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۴، صص ۵۵-۶۲.
- گودرزی سروش، محمد مهدی و گودرزی سروش، خلیل (۱۳۹۲)، "بازشناسی مفهوم هویت در فضای شهری (نمونه‌ی موردی: خیابان بوعلی همدان)، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۲، صص ۱۰۱-۱۰۷.
- گودرزی، سایه و مفیدی شمیرانی، سیدمجید (۱۳۹۲)، "بررسی نقش تغییر محله به مجتمع‌های مسکونی در افزایش ناهنجاری‌های روانی، نمونه موردی شهرک اکباتان"، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب.
- مشکینی، ابوالفضل، زیاری، کرامت‌الله و حیانی، عقیل (۱۳۹۴)، "ارزیابی هویت اجتماعی در محله‌های شهری (مطالعه‌ی موردی: محله اوین شهر تهران)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، صص ۵۹۸-۶۰۷.
- نقره‌کار، عبدالحمید، حمزه‌نژاد، مهدی و فروزنده، آيسان (۱۳۸۸)، "راز جاودانگی آثار معماری (تحلیلی بر نگرش‌های نوگرا و فرانوگرا و رویکردهای فراگیرتر)، باغ نظر، دوره ۶، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۳۱-۴۴.
- اشرفی، امیرحسین (۱۳۸۳)، مرکز اجتماعی فرهنگی شهرک اکباتان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.